

اتخاذ روش آموزش مطلوب در دوران همه گیری کرونا

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

زکيه عاليخاني^۱

دانشجوی کارشناسی مشاوره دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

غلامرضا عاليخاني

کارشناس ارشد فقه و حقوق جزا

چکیده

پژوهش پیش رو تلاشی است به شیوه توصیفی در جهت یافتن شیوه‌ای مناسب در راستای امر تعلیم و تربیت در مراکز آموزشی اعم از مدارس و دانشگاه‌ها در دوران همه گیری کرونا (COV 19) به همین منظور پس از بررسی فرصت‌ها و چالش‌های تدریس فضای سایبر در ایام شیوع ویروس کرونا و وجود ریسک بالای ابتلا به این ویروس در شرایط صرف حضوری؛ به نظر می‌رسد که آموزش ترکیبی «آموزه‌ای از آموزش حضوری و آموزش در فضای مجازی» در شرایط خاص کرونایی، اتخاذ یادگیری ترکیبی با داشتن مزیت‌های هر دو رویکرد آموزش (سنتی و الکترونیکی) یک رویکرد مؤثر برای افزایش اثربخشی یادگیری، سهولت دسترسی به مواد آموزشی باشد. همچنین به دلیل ارائه فرصت‌های مختلف به منظور یادگیری، موجب آن می‌شود که در کنار افزایش جذابیت آموزش، به تفاوت‌های فردی فراگیران نیز به طور مناسبی توجه شود، زیرا همه افراد به یک شیوه یاد نمی‌گیرند و به همین دلیل استفاده از روش‌های مختلف برای آموزش ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: کرونا، آموزش و پرورش، آموزش مجازی

بخش اول: کلیات

انتشار گسترده ویروس کرونا موجبات نگرانی همه از جمله کادر مدیریت مدارس را از بابت مراقبت از دانش آموزان فراهم کرده است. آموزش از طریق رسانه های الکترونیکی یک نیاز در جهت گسترش افزایش بهره وری در یادگیری است. تدریس مجازی یا الکترونیکی، آموزشی مبتنی بر وب فناوری های ارتباطی و از راه وسایل ارتباطی و شبکه های رایانه ای به ویژه اینترنت است. اصطلاح آموزش مجازی شامل مجموعه ای وسیع از کاربردها و عملکردها از جمله آموزش غیر حضوری و کتابخانه های الکترونیکی است (سراجی و عطاران، ۱۳۹۷: ۱۲؛ مولائی قولنجی، ۱۳۹۹: ۱۹۲) در ایام شیوع بیماری کرونا اهمیت آموزش مجازی و فراهم کردن زیر ساخت های لازم برای توسعه فرصت آموزش از راه دور و آموزش مجازی دوچندان از قبل شده است، و گوشی هوشمند در دسترس ترین وسیله در بین معلمان و دانش آموزان می باشد، اتصال به اینترنت با استفاده از گوشی هوشمند برای جستجوی اطلاعات و تمرینات درسی و نیز استفاده از شبکه های اجتماعی بیشترین میزان استفاده را در میان معلمان و دانش آموزان داراست؛ ناگفته نماند نرم افزارهایی وجود دارند که امکان تدریس آنلاین یا مدرسه آنلاین یا همان کلاس های مجازی را فراهم می کنند برخی از این نرم افزارها رایگان و برخی دیگر مستلزم پرداخت هزینه هستند که می توان با استفاده از آنها تدریس یک درس را طراحی کرد (تسنیم، ۱۳۹۸؛ مولائی قولنجی، ۱۳۹۹: ۱۹۲). حال تلاش نگارندگان پژوهش حاضر بر آن است پاسخ به این مسئله است که در شرایط کرونا در مدارس و دانشگاه های تمام دنیا این سوال مطرح است که چه طور می توان آموزش و پرورش مناسب با توجه به اهداف آموزش و پرورش دوران کرونایی و نیازهای آموزشی دوران کرونایی تدوین کرد؟

بند اول: پیشینه تحقیق

(فرید، ۱۳۹۷) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی ابعاد تربیتی فضای مجازی»، بیان داشته که فضای مجازی علاوه بر آنکه آثار مثبت فراوانی بر فرآیند آموزش هر کشور دارد، پیامدهای

زیان باری نیز می‌تواند در این عرصه بر پیکره نظام آموزشی داشته باشد؛ از جمله اینکه بر تعلیم و تربیت اسلامی آثار منفی می‌تواند بگذارد. در راهکارهایی که ارائه شده، بیشتر بر نقش پدر و مادر (خانواده) و مدرسه در این راستا تاکید شده است. امید است با بکارگیری بهتر از این فناوری بتوانیم در امر آموزش و پرورش که زیر بنای همه سازمان‌های یک کشور است، به سوی دانش و تولید بیشتر حرکت کنیم. در نتیجه آموزش و پرورش باید محیط و شرایط مناسب علمی و فرهنگی برای دانش آموزان با همکاری بخش‌های ذیربط از جمله مخابرات و صدا و سیما فراهم‌کند؛ چرا که دانش آموزان خارج از مدرسه، به خصوص در مناطق شهری، به دلیل بودن فضای کافی برای سرگرمی و ورزش، به سراغ کامپیوتر و اینترنت می‌روند و خیلی از اطلاعاتی را که نباید یاد بگیرند، یاد می‌گیرند و این می‌تواند یک فرصت برای آموزش و پرورش برای ترویج و انتشار اطلاعات و مطالب درسی به صورت غیر مستقیم برای دانش آموزان باشد. در تحقیق دیگر (اخوان، محمدلو و حبیبی، ۱۳۸۳) دو عامل اصلی و حیاتی شکست پروژه‌های فن آوری اطلاعات را عدم تعهد مدیران ارشد سازمان‌های دولتی (و من جمله مدیران سازمان آموزش و پرورش) نسبت به استقرار فن آوری اطلاعات و ناآشنایی مردم و مسئولان با ساختار عملکرد آن بر شمرده‌اند.

(بور، چین و چانگ، ۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان یادگیری وب محور، ابعاد تفاوت‌های فرهنگی به بررسی این سوال پرداخت که چگونه تمایزات فرهنگی، طرز تلقی دانشجویان را از یادگیری وب محور تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ نتایج نشان داد که یادگیری وب محور بین دانشجویان آسیایی و آنگلوساکسون (استرالیا، انگلیس، ایرلند شمالی، نیوزلند و اسکاتلند) محبوب است. هر دو گروه، یادگیری وب محور را ایده‌ای نوین و ابداعی برای تسهیل در امر آموزش می‌دانند. دانشجویان آنگلوساکسون با خیال آسوده‌تر و اطمینان بیشتری از مواد وب محور استفاده می‌کنند و به لحاظ میزان دسترسی به امکانات اینترنتی، دانشجویان آنگلوساکسون در صدر قرار دارند.

بخش دوم: یادگیری الکترونیکی

یادگیری الکترونیکی، یادگیری مبتنی بر وب، یادگیری مبتنی بر کامپیوتر و یادگیری مجازی است و شامل دریافت اطلاعات از اینترنت و انواع چند رسانه‌ای ها مانند رسانه‌های دیداری، شنیداری، ماهواره، ضبط صوت، تلویزیون و دیسک های فشرده می شود. عبارات بیان شده برای توصیف یادگیری در محیط‌هایی است که فراگیران و معلمان از لحاظ فیزیکی در یک مکان نیستند.

بخش سوم: ویروس کرونا و آموزش مجازی

ویروس کرونا در بسیاری از کشورهای جهان شیوع پیدا کرده و جان بسیاری را گرفته است. دبیرکل

سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده که «کووید ۱۹» بیماری که ویروس کرونا عامل آن است به مرحله همه گیری جهانی رسیده است و ابتلای صدها هزار نفر به این ویروس گزارش شده و ده ها هزار تن جان خود را به دلیل این بیماری از دست داده اند. شیوع ویروس کرونا از چین آغاز شد و مرکز بیماری شهر ووهان با تقریباً ۹ میلیون نفر جمعیت بوده است. با شیوع کرونا مدارس و دانشگاهها در کشورهای درگیر این بیماری تعطیل شدند و همه اقدام به ارائه آموزش از راه دور کردند؛ اینترنت، گوشی هوشمند، لپ تاپ و کامپیوتر از ابزارهای مهم برای برقراری کلاسهای مدارس و دانشگاهها شد که در کشور ایران نیز هم از این طریق، آموزش به دانش آموزان و دانشجویان ارائه گردید. کشور ایران سناریوهای مختلفی برای بهبود وضعیت آموزش در منزل را طراحی و اجرایی کرد که از جمله آنها میتوان به آموزش دروس از طریق شبکه تلویزیونی آموزش، تهیه لوحهای فشرده آموزشی و تدوین درسنامه اشاره کرد. آموزش و پرورش و دانشگاهها تمام تلاش خود را بکار گرفتند که دانش آموز و دانشجویی از کسب آموزشهای لازم باز نماند، ولی نبود زیرساختها در برخی مناطق بویژه مناطق روستای و همچنین پایین بودن سطح درآمد برخی از اقشار بخصوص در حواشی شهرها موجب شد این سیکل

آموزشی به طور کامل انجام نشود (هدایتی، ۱۳۹۹؛ مولائی قولنجی، ۱۳۹۹: ۲۰۱). جامعه جهانی از جمله کشور ایران با شیوع ویروس کووید ۱۹ مواجه با شرایط تازه‌ای شده است. این مواجهه برای مجموعه‌هایی که هویت خود را با حضور و فعالیت‌های جمعی و گروهی اثبات می‌کنند؛ مانند دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی نمود و پیدایی بیشتر دارد. از طرفی انجام مأموریت‌ها و کارویژه‌های تعریف شده برای این مجموعه‌ها می‌طلبد که واکنش‌های فوری را به شرایط عارض شده داشته باشند. بدیهی است که بازنمایی این واکنش‌ها را باید در بازآرایی‌ها و باز تنظیمات جدید دید که بی‌گمان این امر در بخش آموزش نهاد دانشگاه و مراکز آموزش عالی نمایی بیشتری دارد. واقعیتی که خود را در سیاست تلفیقی آموزش مجازی و حضوری در قالب چرخشی تازه نشان داد. چنین چرخشی بنا به ماهیت و الزام‌های مربوط به آن به سان هر تغییر و چرخش دیگر به رغم همه محسّنات و قوت‌هایی که دارد به دور از هزینه و آسیب هم نیست. چرا که نظام تعامل، چارچوب‌های ذهنی، سبک‌ها و عادت‌واره‌های ویژه خود را دارد.

نکته شایان اهمیت این است که نظام آموزشی باید نوعی باز یادگیری و باز کاوی مستمر را در دستور کار خود داشته باشد زیرا اگر از عملکرد گذشته خودشان و دیگران نیاموزند و نتوانند راهکارها و تمهیدات درست کاری را درست و بموقع به کار گیرند ناچار خواهند بود که خطاهای خود را تکرار کنند و این یعنی انفعال و ناکارآمد شدن. تجربه نشان می‌دهد وقتی امکان آموزش به صورت حضوری فراهم نیست سیستم‌های آموزشی با بهره‌مندی از تکنولوژی و ایده‌های خلاقانه باید بتوانند مأموریت خود را به سرانجام برسانند و آموزش الکترونیکی از مناسب‌ترین رهیافت‌های این تلاش گسترده است. افزون بر این سهم شیوه‌های نوین آموزش الکترونیکی بویژه وقتی که در بستر فضای مجازی قرار می‌گیرند؛ در یادگیری‌های خود راهبر و نیز فراگیری و پایداری آنها از حیث فضا و زمان نباید نادیده گرفته شود. واقعیتی که با بحث‌های حوزه عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت آموزشی نیز ربط وثیقی دارد. آن گونه که از تحلیل دورنما و اهداف این شیوه از آموزش برمی‌آید، هدف کلی از ایجاد

و توسعه آموزش الکترونیکی، فراهم نمودن امکان دسترسی یکسان، رایگان و جست‌وجوپذیر در دوره‌های تحصیل و ایجاد فضای آموزشی یکنواخت برای اقشار مختلف جامعه در هر نقطه و بهینه‌سازی شیوه‌های ارائه مطالب درسی به منظور یادگیری عمیق‌تر و جدی‌تر است. زیرا در گذر به جامعه اطلاعاتی و عصر دیجیتال نقش عمده‌ای متوجه نهادهای آموزشی است. لذا آموزش و یادگیری نیز باید براساس رویکردهای جدید تنظیم شود و یکی از مؤثرترین ابزارها در وارد شدن به این پهنه، گسترش آموزش الکترونیکی در سطوح مختلف می‌باشد. مقصودمان از آموزش الکترونیکی یا آموزش مجازی پارادایم جدیدی است که در حوزه آموزش و یادگیری پدید آمده است و در واقع نوعی از یادگیری است که در هر زمینه، برای هر فرد، در هر زمان و در هر مکان، به صورت مادام‌العمر فراهم باشد. آموزش الکترونیکی یک نظام آموزشی هنرمندانه و راه‌حل جامعی است که برای کشورهایی که خواهان حرکت در مسیر فناوری روز و تغییر روش‌ها و محیط‌های آموزشی خود هستند، امکان دستیابی به شیوه‌های نوین آموزشی را فراهم می‌نماید اما باید بدانیم که هر رویکرد علمی، به شرط آنکه درست طراحی و جاری شود در حد و اندازه خود خروجی و نتایج اثربخش دارد و از این رو انتظار حل همه مسائل آموزشی و قابلیت ایجاد هر نوع تغییراتی در فراگیران، در کوتاه مدت، می‌تواند ساده‌انگارانه باشد. لیکن انتظار می‌رود که برنامه‌ریزان آموزشی نهایت اهتمام و تلاش خود را صرف کاهش آسیب‌های موجود و احتمالی کنند. تا فراگیران با خاطری آسوده و به دور از اضطراب و با حفظ استقلال و اعتماد به نفس، به فعالیت‌های مورد نظر خود بپردازند و محتوای مورد نیاز خود را دریافت کنند. کارنامه حاصل از تلاش‌های انجام شده در این هفت ماه اخیر نشانگر نکات سودمندی چون: درک سریع تغییرات حادث شده؛ سرعت همسازی و همراهی با کار در فضای مجازی؛ کاربرست ابزارها و تکنولوژی‌های نو؛ و خلاقیت در تولید محتوای علمی هستیم.

بخش چهارم: نظام آموزشی فضای سایبر در دوران کرونا

بند اول: فرصت‌ها

۱. فراهم شدن زمینه تغییر

- تغییر و بازنگری در برنامه های آموزشی و سرفصل ها
- ایجاد تغییرات عمیق در نظام آموزشی و هدایت آن به سوی یکپارچگی آموزشی و ترک روش های سنتی کم بازده
- ایجاد چشم انداز دقیقتر برای آموزش و پرورش در بحث انتقال مطالب و یادگیری از راه دور

۲. توجه به داشتن برنامه ریزی راهبردی

- توجه به جایگاه و نقش مهم آموزش و پرورش و بهبود زیرساخت های اینترنتی
- برنامه ریزی برای ایجاد دوره های ضمن خدمت معلمان در زمینه نحوه استفاده از برنامه های تلفن و استفاده از فضای آموزش مجازی
- برنامه ریزی در جهت گسترش فرهنگ های خانواده با تکیه بر سیاست های آموزش
- فعال شدن آموزش های مجازی و تلویزیونی

۳. توجه ویژه به آموزش مجازی

- انجمن های گفتگو و... آموزش های مجازی را جذابتر و مفیدتر می سازد و موجب تعامل بیشتر بین معلم و دانش آموز میشود.
- استفاده از توانایی و امکانات سازمانها و ارگانها مانند صدا و سیما وزارت ارتباطات

۴. تأمین فرصت برابر آموزشی

- ایجاد فرصت آموزش برابر از طریق رسانه ملی
- همسان شدن شرایط آموزشی برای دانش آموزان در کل کشور
- درک واضح از شکاف ها مرتبط با امکانات زیر ساختی آموزش الکترونیک جهت تقویت آن

۵. فرصت ایجاد خلق نوآوری آموزشی

- ساخت و معرفی برنامه های داخلی برای استفاده عموم دانش آموزان
- _ فراهم کردن فرصتی جدید برای خلق نوآوری و ایجاد روش های خلاقانه آموزشی برای مدیران مدارس در مقیاس منطقه ای و چه بسا کشوری
- _ درگیر شدن به تفکر و تأمل در تمام سطوح و لایه های آموزش و پرورش درباره نحوه بهتر شدن آموزش از راه دور

۶. خانواده

- _ ایجاد زمینه ارتباط بیشتر بین دانش آموزان و خانواده ها
- _ فراهم شدن فرصت بیشتر برای درگیری بیشتر اولیا با آموزش
- _ کم شدن دغدغه های جانبی خانواده مثل ایاب و ذهاب، خطرات خارج از منزل و...
- _ افزایش مهارت های دیجیتالی والدین

۷. معلمان

- استفاده مفید و حداکثری از زمان کلاس و بهره‌گیری از روش‌های نوین سمعی و بصری موثر و همچنین امکان ارائه تکالیف بیشتر

- توجه به نقش مهم معلم: خانواده‌ها که امروزه بیشتر با تکالیف فرزندان درگیر هستند متوجه ارزش و نقش والای معلم شده‌اند.

- ایجاد ارتباط مستمر بین اولیای دانش‌آموزان با معلمان

- ارتقای مهارت‌های دیجیتالی معلمان

- سنجش میزان آمادگی معلمان و ارزیابی آنها

۸. دانش‌آموز

_افزایش مهارت‌های دیجیتالی دانش‌آموزان

_ایجاد ارتباط مستمر بین اولیای دانش‌آموزان با معلمان

- ایجاد رقابت و انگیزه برای انجام به موقع تکالیف ارسال آن با معلم به وسیله دانش‌آموزان

- ایجاد اعتماد به نفس برای تدریس و به اشتراک گذاشتن در گروه کلاسی

بند دوم: چالش‌ها

۱. نداشتن تفکر راهبردی

- نبود ادراک و باور مشترک رهبران و دولت مردان کشورهای مختلف از مسائل کره زمین

- ضعف ساختار تصمیم‌گیری عقلایی در نظام آموزشی کشورها

- نگرش جزمی و خطی مدیران نظام آموزشی در زمینه برنامه‌ها و طرح‌ها

۲. سیاست گذاری نامطلوب

- در اولویت نبودن آموزش و پرورش به خصوص در اختصاص بودجه برای مواجهه با بحرانهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و...

- وجود نظام آموزشی متمرکز و یکسویه در برنامه ریزی های آموزشی و درسی

- ارائه نکردن راهکارهای کاربردی برای مواقع بحرانی در اسناد بالادستی

۳. ضعف تکنولوژی آموزشی

- نبود مدیریت کارآمد رسانه ملی در اختصاص شبکه های تمام وقت و چندگانه ای به آموزش و پرورش و نبود شبکه مخصوص آموزش و پرورش برای مدیریت برنامه های تحصیلی در دوران ویروس کرونا و دوران پس از بحران.

- نبود زیرساخت مناسب فناوری اطلاعات در همه کشورها

- آماده نبودن زیر ساخت های اینترنتی جامعه و سرعت پایین و هزینه بالای خدمات اینترنت

۴. مدیریت ناکارآمد

- نبود سیستم مدیریتی قوی و کارآمد

- نبود نظارت بر اجرای صحیح طرح های آموزش و پرورش

- پیروی نکردن از یک رویه مشخص و منظم برنامه ریزی آموزشی

- نبود مدیریت بحران در نظام آموزشی کشور

- برخورد ناکارآمد با نیروهای انسانی و مدیریتی سطوح کلان و خرد نظام آموزشی و حذف بسیاری از ایده های شایسته مواجهه با بحران نظیر کرونا و ویروس

۵. ضعف فناوری معرفی شده

- یک طرفه بودن آموزش‌ها از طریق تلویزیون و رسانه‌های ملی

- مشکل بودن آموزش مجازی برای مقطع ابتدایی

۶. نداشتن استقلال و آزادی عمل

- مدیریت متمرکز و وجود سیستم دستوری در نظام آموزشی کشور

- نداشتن حق تصمیم‌گیری یا تصمیم‌گیری مشارکتی

- ایجاد سردرگمی در بین نظام اداری، آموزشی و اقتصادی در شرایط کرونا

- ابلاغ طرح‌های گوناگون و نامناسب به آموزش و پرورش و اصرار بر انجام آن بدون در نظر گرفتن کاربردی بودن طرح

۷. برهم خوردن بودجه بندی مطرح شده

- ممکن نبودن صحت سنجی و واقعیت انگاری از حضور دانش‌آموزان در گروه‌های آموزش مجازی و نبود نظارت دقیق

- نبود نظارت دقیق و درست آموزش و پرورش روی تدریس و عملکرد معلمان در فضای مجازی

- ممکن نبودن بازخورد دقیق از نتایج ارائه محتوای آموزشی، آزمون‌ها و پیشرفت تحصیلی

- مشخص نبودن شیوه‌های ارزشیابی درست در مقاطع تحصیلی گوناگون

- نبود امکان برگزاری دروس عملی، حضور در لابراتور و آزمایشگاه‌ها و کلینیک‌ها برای رشته‌های علوم پزشکی

۸. معلمان

- نگرانی معلمان از سوء استفاده از تدریس های برخط
 - نبود ارتباط مفید و موثر بین آموزگاران و دانش آموزان به دلیل بی سوادى و بی اطلاعى خانواده ها نسبت به فضای مجازى
 - ممکن نبودن شبیه سازی فضای آموزشى متناسب با محتوای درسى
 - به اتمام نرسیدن سرفصل ها و بودجه بندى کتب درسى
 - ممکن نبودن انتقال کامل همه مطالب درسى از طریق آموزش مجازى
 - توجه نکردن به استعدادهاى گوناگون دانش آموزان در فراگیرى آموزش از طریق فضای مجازى
 - تاثیر نداشتن آموزش های مجازى برای ناشنوایان به دلیل مشکلات خاص این دانش آموزان در گفتار خوانى
 - نبود رابطه دو طرفه بین معلم و دانش آموز ناشنوا و دریافت نکردن بازخوردهاى لازم
 - لزوم تهیه محتوای الکترونیکی معلمان
۹. دانش آموز
- نبود ارتباط چهره به چهره بین مدرس و دانش آموز
 - کاهش مهارت های دانش آموزان در زمینه های روابط اجتماعى و تعامل با همسالان
 - نبود ارتباط عاطفى بین معلم و دانش آموزان

- تمرکز نداشتن دانش آموزان با موضوع درسی در فضای مجازی
- کاهش یادگیری دانش آموزان به علت تکرار و مرور نکردن دروس
- توجه نکردن لازم به درس به اندازه کلاس های حضوری
- گسسته شدن ارتباط دانش آموزان با هم (سلیمی و فردین، ۱۳۹۹: ۵۶-۵۳).

بخش پنجم: شیوه ترکیبی مناسب ترین راهکار آموزش در دوران کرونا

در ارتباط با پدیده کرونا، با پدیده ای مبهم، ابعاد بسیار گسترده و چند رشته ای مواجه هستیم. بنابراین محققان رشته های مختلف از جمله علوم تربیتی و روانشناسی باید در باره آن به تحقیق بپردازند. ظاهر این بیماری و منشاء آن هر چند پزشکی و زیستی است ولی تاثیر زیادی بر ابعاد روانی، اجتماعی و آموزشی انسان ها داشته است. آنچه شرایط و تغییرات آموزشی دوران کرونا را مهم تر می کند، تداوم شرایط و مراقبت های مربوط به آن و نیمه تعطیلی و غیر حضوری شدن مدارس و دانشگاه هاست. از آنجا که لازم است ابعاد این بیماری شناسایی شود، تغییرات ناشی از کرونا در مسایل آموزشی بسیار گسترده بوده است. تجربه آموزشی حاصل از آن باعث شده در آینده حتی در زمانی که ویروس کرونا کنترل شود، آموزش در کلیه مقاطع تحصیل و دانشگاه ها و موسسات آموزشی به صورت ترکیبی از یادگیری رو در رو و یادگیری آنلاین محتمل و مقرون به صرفه باشد. کودکان طبقه پایین که تا قبل از دوران کرونا گاهی می توانستند در کنار کلاسی های خود درس بخوانند و از مزایای در کنار کودکان متوسط و بالا بودن بهره برند، به سبب تغییرات دوران کرونا، این کار برایشان میسر نیست. از سوی دیگر این کودکان ملزومات امکانات آموزش از راه دور مثل سیستم های رایانه ای، تبلت و اینترنت با سرعت مناسب را ندارند. این شرایط به ایجاد یأس آموزشی و ناتوانی در همگام شدن با آموزش های الکترونیک می شود. بهبود دسترسی آموزشی، توانمند سازی آموزشی، دستیابی به رشد پایدار آموزشی، غلبه بر نابرابری آموزشی، مستلزم سیستم آموزشی

مناسب برای آموزش دیجیتال و آموزش از راه دور است. باوجود این، تکنولوژی چاره همه مشکلات نیست و تا زمانی که همه مدارس به استانداردهایی مشترک و لازم در این زمینه برسند، مشکلات آموزشی وابسته به کرونا ادامه می یابد. به هر حال در شرایط کرونا در مدارس و دانشگاه های تمام دنیا این سوال مطرح است که چه طور می توان آموزش و پرورشی مناسب با توجه به اهداف آموزش و پرورش دوران کرونایی و نیازهای آموزشی دوران کرونایی تدوین کرد؟ از نقطه نظر عرضه، یک مشکل پیرامون کمیت و کیفیت متمرکز است. اینکه در جهان بحث کمیت، کمبود معلمان و اساتید متبحر آنلاین، انعطاف پذیر نبودن برنامه درسی و وابستگی بیش از حد به آموزش حضوری مطرح است. درحوزه تقاضا و کیفیت در آموزش های مجازی، دانش آموزان اغلب با نقص مهارت های اجتماعی برای زندگی در جامعه واقعی و انطباق با محیط حرفه ای مواجه هستند. شرایطی که کرونا در کل جهان به وجود آورد، آموزش و نظام های آموزشی و آموزش عالی را به قبل و بعد از کرونا تقسیم کرد. به هر حال انتقال از یادگیری در شرایط آموزشی قبل از کرونا به یادگیری در شرایط کرونایی مبتنی بر کار روی برنامه ها و مواجهه با محیطو دنیایی جدید به عنوان یک چالش بزرگ سازگاری است که باید مطرح شود. ما در شرایطی هستیم که نیازمند یک انقلاب آموزشی و آموزش مبتنی بر وب به صورت فوری در اثر شرایط کرونا هستیم. اما دسترسی همه دانش آموزان و دانشجویان به منابع آنلاین و موتورهای جستجوگر نیازمند تدارک زیر ساخت های لازم از سوی دولت هاست. هرچند موانع نباید آن را منتفی کند، دستیابی کودکان به دنیای اطلاعات در شرایط کرونایی یک تغییر محوری و تحولی بالقوه در حوزه آموزش و پرورش تلقی می شود که در آینده باید همه مدارس دنیا را در بر گیرد و فراگیران را به شهروندانی مسوول در حوزه یادگیری تبدیل کند و در عین حال این امکان را فراهم آورد تا تدریس آنلاین بتواند انگیزش لازم را داشته باشد و با موفقیت همراه شود. در واقع ضرورت تحول در آموزش و پرورش شرایط کرونایی، آن را ملزم ساخته تا از تجربیات و امکانات خارج از سیستم خود نیز استفاده کند تا به سوی تغییر آموزشی راه بگشاید. امروزه در شرایط آموزشی کرونایی، دانش آموزان ما دیگر به معلمان وابسته نیستند تا دانش سده های پیش را

برایشان نقل کنند. بسیاری از آنها می توانند علاوه بر معلم از طریق شبکه های آموزشی نیز به کسب و بازتولید اطلاعات پردازند؛ لذا در این شرایط نه تنها دانش آموزان برای زندگی در اجتماع آینده آماده میشود بلکه نقش معلمان نیز تغییر می کند. به عبارت دیگر در شرایط موجود و آینده نقش معلم به عنوان فردی که اطلاعات را مرتب می کند، سازماندهی و طبقه بندی می نماید و به شیوه ای منظم و مرحله ای در اختیار فراگیران قرار می دهد ارتقاء خواهد یافت و این در اصل یک انقلاب آموزشی است. در این شرایط هر چه یک نظام آموزشی فردمحورتر باشد و فراگیر بتواند بیشتر و بهتر فکر کند و به حل مسایل پردازد، شیوه زندگی مطلوب تری در عصر فرامردن کرونایی خواهد داشت. لذا با تایید بر بروز یک تحول در آموزش و پرورش آن را عاملی می دانیم که بر اساس آن می توان به مدارس ساختار تازه ایبخشید. با بروز کرونا بهتر متوجه شدیم نظام های آموزشی مدارس و دانشگاه های ما چقدر قدیمی است روشهای آموزشی ما نیازمندی های آموزشی امروز و در شرایط کرونا را نداشته و ما به نظام آموزشی متناسب با قرن ۲۱ و شرایط کرونا احتیاج داریم. بزرگ ترین تغییری که ما برای دانش آموزان و دانشجویان در نظر داریم این است که دیگر این مواد درسی نیستند که در مرکز توجه قرارمیگیرند بلکه مجموعه مهارت هایی که دانش آموزان باید در شرایط کنار آمدن با کرونا بیاموزند، مهم است. برای مثال اگر دانش آموزی تصمیم دارد اوقات فراغت خود در تابستان را پر کند، درس های شیمی، جغرافی یا تاریخ کاربردی ندارد، بلکه چگونگی حفظ بهداشت فردی و فاصله با دوستان در حین بازی به کار وی می آید، مهارتی که شاید باعث سلامت یک کودک و عدم توانایی آن باعث مرگ دیگری شود.

نتیجه گیری

تجربه هایی مانند تعطیلی مدارس و دانشگاه ها، تغییر در ارتباطات انسانی متداول، آموزش از راه دور و در تنهایی و منزل و مشاهده مداوم تجربه بیماری و فقدان در بستگان، جامعه و کل دنیا که همگی ناشی از همه گیری کروناست. تداوم نامعلوم شرایط حاصل ویروس و احتمال تکرار شرایط حاد بحران کرونا در فصل پاییز، شرایط تشدید یا ایجاد مشکل در یادگیری در

دانش آموزان و دانشجویان را مهیا کرده است. حتی اگر به طور واقعی کرونا صعودی در آینده نداشته باشد، ترس از آن در بسیاری از بیماران به ویژه افراد دچار ترس مرضی و وسواس باعث استمرار حالات مرضی آنها می شود. از سوی دیگر کرونا ایران را در یک شرایط عملیات روانی گسترده و تبلیغات شبکه های اجتماعی و کلیپ ها و شایعه سازی ها شده اند که همه این ها در آموزش معلم و اساتید و یادگیری دانش آموزان و دانشجویان تاثیر منفی می گذارد. در این شرایط باید مراقب شرایط آموزشی کودکان، نوجوانان و دانشجویانی که در اطراف و خانواده مان هستند باشیم. باید از نظر سیستم های آموزشی، سیستم کامپیوتر و اینترنت مورد آنها به آنها کمک هایی شود. به مرور زمان گسترش این ویروس متوقف می شود ولی تا آن زمان باید بسیار هوشمندانه نظام آموزشی مبتنی بر کرونا را در افراد به ویژه کودکان و نوجوانان بررسی نماییم. یکی از دلایل انقراض دایناسورها عدم توانایی تطبیق با شرایط اقلیمی عصر یخبندان بود و در این دوران هر انسانی نتواند هوشمندانه با این بحران و بررسی به ویژه در بعد بحران آموزشی وابسته به کرونا مقابله کند، احتمال بروز بیماری و مشکل در او بیشتر است. به نظر می رسد حیطه های مهم و کمک کننده به انسان در این عصر جدید فراکرونایی، معنویت در کنار دانش است.

منابع و مآخذ

- پروانه گهر، سیما؛ فاطمی، سید محسن، (۱۳۹۹)، گفت و گو؛ آموزش در عصر کرونا گفت و گو با دکتر سید محسن فاطمی؛ نشریه پیوند، ش ۴۷۶، صص ۲۵_۲۱.
- سلیمی، سمانه، فردین، محمدعلی (۱۳۹۹)، نقش کرونا ویروس در آموزش مجازی، با تأکیدی بر فرصت‌ها و چالش‌ها، نشریه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ش ۳۰، صص ۶۰-۴۹.
- نبوی، محمدحسن، (۱۳۹۹)، ماه مبارک رمضان و بلای ویروس کرونا؛ فقه و اصول، نشریه مبلغان، ش ۲۵۱؛ صص ۱۵_۴.
- غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۹)، کرونا و حق بر آموزش؛ نشریه کیهان فرهنگی، شماره های ۴۰۴-۴۰۶، صص ۶۵-۶۳.
- متین، آریا، (۱۳۹۹)، تاثیر ویروس کرونا بر آموزش عالی جهان، نشریه کار و جامعه؛ صص ۶۴_۴۹.
- معین، مرضیه، (۱۳۹۹)، آموزش؛ تکالیف اصیل توصیه‌هایی برای یادگیری موثر در دوران کرونا، نشریه پیوند، ش ۴۷۹، صص ۴۸-۴۶.
- هدایتی، فریفته (۱۳۹۹)، ویروس کرونا؛ چالش‌ها و فرصت‌های آموزش مجازی

